

«عدالت واقعی در تحت لوای قانون»

این کلمات که روی درب ورودی دیوان عالی کشور ممالک متحده آمریکا حک شده است معرف هدف و ایده آل پر جلال تمام آکهاییرا که با امر قضا سروکار دارند - میباشد. در هیچ نقطه از کره زمین بطور کامل باین هدف و ایده آل نرسیده اند ولی حقوقدانان و وکلای دادگستری - قضات و کارمندان دستگاه دادگستری آمریکا مدام در تلاش هستند که عدالت را به هدف غائی و ایده آل مورد نظر برسانند و بتدریج بآن نزدیکتر و باز هم نزدیکتر میشوند.

تشکیلات محاکم بهتر سواشین عدالت گستری تکمیل شده و انتخاب متدهای عالیتر همه در بهبود وضع گسترش عدالت سهمی دارند ولی خیلی کم اختلاف نظر هست در اینکه مهمترین عنصر در گسترش عدالت واقعی «قاضی» است - قاضی بهتر یعنی عدالت بیشتر عوامل دیگری نیز وجود دارند که برای تکمیل پرسش قضائی کمال ضرورت را دارند که بترتیب عبارتند از:

- ۱- انتخاب غیر سیاسی قاضی (عدم دخالت سیاست در انتخاب قاضی).
- ۲- امنیت و استقلال قاضی.
- ۳- سمینارها و مؤسسات و مدارس مختص برای تکمیل معلومات و مهارت قاضی.
- ۴- حقوق مکفی.
- ۵- استاندار مشخص برای اخلاق و حفظ شئون قضات
- ۶- عملیات صحیح و مؤثر برای حفظ دیسپلین قضائی و حفظ انتظامات در بین قضات.

این شماره مجله اختصاص به بحث در قسمت حقوق و حقوق نقاعد قاضی دارد. در اینجا

لیست حقوق قضات که در شماره ماه مارچ ۱۹۶۳ همین مجله درج شده و همچنین لیست حقوق
تقاعد که بطور جدا گانه در سال ۱۹۶۱ بصورت کتابی چاپ شده است مورد مطالعه قرار میگیرد.
ملاحظه این آمار در اینجا و یکجا این حقیقت را روشن میکنند که حقوق ایام اشتغال و حقوق
ایام تقاعد را نمیتوان تفکیکاً و جدا از هم مورد بررسی قرار داد. این دو با هم و متفقاً پاداش قضائی
را تشکیل میدهند. سازد یاد دیگری از این دو مورد اثر مستقیم روی مورد دیگر دارد و بدین طریق
نمیتوان یکی را منفکاً از دیگری مورد نظر قرار داد مگر اینکه با توجه باین ارتباط و با اعتقاد
به لابنفک بودن این دو تحت بررسی و مطالعه در آورد و این شماره مجله برای تسهیل این امر تدوین
گردیده است.

قابل توجه است که از تاریخ چاپ این نشریه در این مورد که در سالهای ۱۹۶۱ و ۱۹۶۳
بوده در حدود ۲۴ ایالت حقوق قضات را اضافه کرده و ۳۵ ایالت حقوق بازنشستگی را ترمیم
کرده است.

گفتگو در اینکه چه مبلغ بیک قاضی باید پرداخته شود - مباحثه جادی را بمیان
میاورد ولی بهترین راه این است که باید دید سایرین در این مورد چه میکنند و منظور این شماره هم
نشان دادن همین قسمت است.

چقدر باید بیک قاضی حقوق داد - ۶. جواب آسانی باین سؤال نداریم. زیرا
این مبلغ بستگی بجهت زیادی دارد که استاندارد جامعه و سطح زندگی - مقدار کاریکه قاضی
انجام میدهد - سایرین چه مبلغ بقاضی میپردازند و علل و جهات دیگر جزو آنها است برای
روشن شدن مطلب خوب است که کار قاضی با تجارت و با مشاغل نظیر آن مقایسه شود و ملاحظه
نمود که اگر قاضی بدنبال کارهای مزبور میرفت چقدر عاید وی میشد. نتیجه این میشود که هر قدر
حقوق مکفی بقاضی داده شود تا حدودی ارتباط مستقیم با میزان کار او خواهد داشت ولی اگر
پیش از این حد بالا رود بیک رقابت و تلاش برای ورود بجزگه قضاوت پیدا خواهد شد که در این
رقابت ممکن است او طلب لایق و قابل مغلوب او طلب تو خالی بشود.

و کلائیکه شغل و کالت را میپذیرند و استخدام میشوند لازم نیست که لایقترین آنان
باشند ولی باید لافل میان خوبها بوده و از حد متوسطها بالاتر باشند.

بنا بمراتب بهترین رویه و فورمول برای میزان حقوق قاضی این است که از درآمد متوسط
یک و کیل داد گستری بالاتر باشد ولی از بهترین آنان بیشتر نباشد - علاوه حقوق بازنشستگی
باید طوری باشد که قاضی زندگی مشابه و در سطح همان زندگی ایام اشتغال را دارا باشد.

کفایت حقوق قاضی و حقوق بازنشستگی او با ارزش پول متأثر است و در زمان و مکان

متفاوت فرق میکنند. در انتهای سال ۱۹۶۳ اندیکس قیمت‌ها برای مصرف‌کننده ۱۱۵٪ با مقایسه با ۱۰۰٪ سال ۱۹۵۳ بود. معنی این امر این است که یک اضافه حقوق سالانه ۱۵۰۰ دلار به حقوق ۱۰۰۰۰ دلاری یک قاضی در واقع اضافه حقوق بوده و چیزی اضافه بقاضی داده نشده است زیرا با این مبلغ فقط رابطه بین حقوق و سطح زندگی حفظ و نگهداری شده است. در موقع بالا رفتن قیمت‌ها و تورم پول باید همان کار را کرد که آلیس در واندلرند *Alice wandlerland* نمود «بدو برای اینکه بیحرکت بایستی...» مقاطعه کارانی روی تاجر به وسایقه میزان دستمزدها کاران خود را بر مبنای هزینه زندگی قرار دادند و با بالا و پائین رفتن هزینه زندگی دستمزدها را کم و یا زیاد میکنند. قانونگذاران و اشخاصی که تصمیم بمیزان حقوق اعم از قضات و سایرین میگیرند - بد نیست که از همین رویه تبعیت نمایند همانطوریکه **دیوان عالی تمیز ایالت کنتاکی** *Supreme Court of Kentucky* در یک رأی و تصمیم تاریخی خود میزان حقوق را بر مبنای قیمت‌ها برای مصرف‌کننده بنا نهاد و به حقوق ساده که از قرون متمادی معمول بوده اکتفا نکرد. همین نتیجه باز هم بدست خواهد آمد که آنهاست که مسئول تعیین حقوق قضات هستند متوجه شوند که وقتی قیمت‌ها بالا میروند آنان نیز به تبع آن بالا میروند.

تقاضا برای ازدیاد حقوق در شان قضات نیست ولی غیر مشروع هم نیست. قضات اگر بقومعقنه مراجعه کرده و راجع به بهتر کردن وضع داد گاهها تقاضائی بکنند و با طرحی راجع به بهتر کردن وضع وزارت داد گستری بنمایند البته مستحسن است و اگر برای اضافه حقوق هم مراجعه نمایند کار خلافی انجام نداده اند ولی باید توجه داشت که مراجعه آنان برای دریافت چیزی برای خود وجهی ندارد. و اگر نیازی باین کار باشد باید قانون و کلای داد گستری این کار را بعهده گرفته و تقاضای آنان را مطرح نماید. قانون و کلا میتواند آنچه را که قاضی با اشکال میتواند مطرح نماید - مطرح کند و قانون میتواند ادعا نماید که طرح او برای ازدیاد حقوق قاضی بعنوان یک فرد نیست بلکه تقاضای او کلیت داشته و منظورش اصلاح وضع وزارت داد گستری از طریق تحصیل پرسنل عالیتر برای تعمیم عدالت است. قومعقنه و مالیات دهندگان بکرات و مرات نشان داده اند که با ازدیاد حقوق قضات که استحقاق دریافت آنرا دارند مخالفتی ندارند.